

# حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نوروزی  
شنبه اول حمل  
۱۳۶۰  
MARCH 21, 1981  
شماره ۸۶  
سال تأسیس ۱۳۵۹

## بهار شهیدان

بهار آمد ، زمین گرم و جوان شد  
دمن ها و چمن ها گلشنان شد  
زنی زیبا ، عروس داغ بر دل  
به سوی مرقد مردی روان شد

فراز قبر همسر لاله یی دید  
در آغوش نسیمی مست ، رقصان  
غمش بالا گرفت و قلبش آتش  
بر آشفته و به سختی گشت نالان:

الا ، ای لاله بیدردگستاخ!  
زمین کم بود که بر اینجاد میدی ؟  
کدامین دین و آئین رخصت داد ،  
چنین بد مستی بر قبرش پیدی ؟

بزد چرخ و تبسم کرد لاله  
به شعر رقص و خنده باسخش داد  
الا ، ای نازنین ! این من ، توام ، تو  
نسیم همدم ، این تازمادامد.

شهید آرمان اوج هستی ،  
شکوفانگر نسیم جاویدان است  
من و تو لاله های یک بهاریم  
که از روح شهیدان از مغان است

فشان زندگی قربان شمن هاست  
جهان پایا و بو یا با نبرد است  
یکی را با زرو بیداد و باطل  
یکی را با یخ و سرما نبرد است

به بزم ما سرود رزم بر ریاست  
چو از پیکار خونین سر کشیدیم  
همه نا موس مستی کارزار است  
زخون خویش ، رنگین بر کشیدیم  
اول حمل ۱۳۶۰ (م.ع.م)

## درود باد به باران...

به نخل تشنه بگو  
که باد قبله  
بیاورده بوی باران را  
و شب  
تمام تن خویش را  
سپرده به خاک  
دو دباد به باران  
که در مصاحبت خار  
و بی دریغ تراز دوز ها  
لطفات خویش  
به خار بخشیدند .

## کمال خست بهار

## جشن بهار ، جشن کار و صلح

وفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا.  
رئیس شورای انقلابی وحدت واعظم ج.د.خ.ا. پیام بمناسبت  
حلول سال نو خطاب به مردم دلیر و عاقل و دیندار و وطن  
دشمنان را در این روز مبارک و دیندار و دیندار و دیندار  
مختصر بعضی از قسمت های آن تقدیم می گردد .

مساعی گسترده ای در جهت  
تأسیس جبهه و سیع ملی پدر  
وطن بعمل آمد . کنفرانس نیرو-  
های ملی و وطنپرست که در آن  
نمایندگان تمام طبقات افشار  
و گروه های اجتماعی ، نمایندگان  
گان تمام مردم نجیب و آزاده



... در سال گذشته

سال نو ، جشن باستانی و  
زیبای نوروزی ، جشن د هقان  
را از صمیم قلب بشما تبریک  
میگویم .  
دوسرزمین باستانی ما این  
جشن که مشحون از بهترین  
سنن تاریخی ماست ، بمثابة  
جشن بهار ، جشن کار و صلح  
آمیز ، جشن آرزو های درخشان  
نسبت به آینده تجلیل می -  
گردد .

بر طبق سنن و عفته در  
این روز نتایج کار در رسال  
گلشنه از زیبایی می گردد و  
وظایف سال آینده مشخص  
می شود . اکنون باید دید  
ارمغان سال پارس برای ما چه  
بود و انتظار ما از سالی که در  
آستانه آن قرار داریم چیست ؟  
هموطنان عزیز !

طی سالی که گذشت ما تمام  
کوشش های خود را در جهت  
بسیج همه نیرو های سالم و  
شریف وطن بخاطر تا مین و  
تحمیل فضای نو ، فضای  
قانونیت دموکراتیک ، فضای  
اعتماد و همکاری بین نیروهای  
مختلف اجتماعی و ملی و فضای  
کار صلح آمیز و خلاق توده  
های زحمتکش کشور معطوف  
ساختیم ، ما پلان سنجش شده  
دشمنان را که می خواستند  
کشور ما را در منجلا بجران  
عمیق اجتماعی ، اقتصادی و  
فرهنگی سقوط دهند ، خنثی  
ساختیم . ما به هیچکس اجازه  
نخواهیم داد که امید خام  
احیای دوران گذشته و حشت  
و تنگ ، ظلم و بیعدالتی را  
تحقق بخشد . دیگر آن دوران  
به گذشته ها پیوستند و هرگز  
بر نخواهد گشت ...

... در سال گذشته

نوروزی سرخ ، بهار جشن بهار  
کادرنه که به بهار خوشتر  
و بهار خوشتر به بهار خوشتر  
سیکونیم

سال نو ، سلام !  
باز این بین تنگد کام  
برف را ز روی گردی نگاهد و جبر زبان  
آفتاب  
می خندد سلام  
باز با خوش خنجر  
از لب لبخند میدیام  
میدود میان لاله غنچه سرا  
جامه گشتان  
می زده جام

باز از باردار  
خیزد به نوریام  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار

باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار  
باز بگویند به کس بهار

## بهارا انقلاب

درو بیو سته بو یا ی بهار  
سوار بر گردو نه جوانه ها  
اینک فرارسیده است . بهار  
امسال ، مگر سهمی از نور  
دارد که به پیشواز آن زمین  
داغ می شود ، خاک عطش  
می باشد و در رویشی سبز  
بر پا میشود .  
بهار امسال مگر سهمی  
از فردا دارد که به پیشواز آن  
زمان درنگ میکند ، لحظه  
ها رنگ میزند و برخاستنی  
چنین را که شکوه و حشت را  
سبکساخت ، حرمت می  
گذارد .  
شوکت بر تمکین این بهار  
از آنست که مرز بلند  
دیروز را شکسته و بر دا من  
رنگین امروز رو دیده و امید  
بر شور زندگی بر ورده و به  
سوی فردای همیشه بهار راه  
گشوده است .  
آری بهار امسال آینده را  
با خود آورده است . و جشن  
( ن )

## سبزینه یی بر گردونه زمان

گلها ، باغ ها و علف ها ،  
دوباره اینک ، در رستا خیز  
بر تالای طلوع دوباره خویش ،  
چنان رهایی ترین آهنگ در  
کلیت ارگستر سنقونی زمان ،  
زاد روز دو باره رویش خود را  
بر نقش بهمن سنگین و تنبل  
روز های زمستانی ، به جشن  
نخستین اند .  
آه ! که چه زیبا ست .  
مادامیکه «اهریمن» سیاه انسان  
خوار زمان ، که پیکر متعفن  
خود را ، با آئینه زبونی و  
دخستناکی ، در زیر سال  
فرشته های نجات آرزو های  
بلند انسانی بنهان  
کس دردم بود و گفتار و ار  
بر حقیقی از سباعت و درندگی  
تقب زنان سینه های مالا مال  
از امید به آینده تا بناک مارا  
درین گوشه از جهان ، پاره

سرود یگانه  
بهار میرسد گل ترانه میخواند  
سرود عشق بگوش زمانه میخواند  
وطن حماسه مردان کار زار ترا  
جهان ملت افغان دو گانه میخواند  
گل بهارو گل خون کشتگان امین  
دوسر دوی سرود یگانه میخواند  
توای بلند دژ انقلابی دوران  
کهر عقاب ترا آشیانه میخواند  
دگر تو کشور پیکار هاندی و جهان  
شمار سرخ ترا جلوه دانه میخواند  
اراد ۱۳۶۰  
سلیمان لایق

با جوانه ها نوید زندگی  
زندگی شگفتن جوانه  
هست  
هر بهار  
از نثار ابر های مهر بان  
ساقه ها پراز جوانه می  
شود  
هر جوانه ای شگوفه می  
کند  
شاخه چلچراغ می شود  
هر درخت پر شکوفه باغ ...



# جشن بهار...

جشن کشت و کار و ز دهقان نیز است و زراعت شالوده اقتصاد کشور را تشکیل می دهد.

حکومت ج.د.ا. کوشش های صادقانه و دائمی خویش را در زمینه حل واقعی و دموکراتیک و عادلانه مسئله ارضی، کمک همه جانبه به دهقانان زحمتکش و تعمیق وحدت طبقات کارگر و دهقانان که پایه ها کیمت سیاسی ما را تشکیل میدهند، تعقیب نموده و خواهد نمود.

در سال ۱۳۵۹ بمنظور ارتقاء سطح تولیدات و رشد سطح زندگی دهقانان زحمتکش و سطح در قیمت خرید پنبه و لیلیو تولید قابل ملاحظه ای بعمل آمد و قیمت کود و آلات و ابزار زراعتی کاهش یافت.

به دهقانان کم زمین و بی بضاعت از طریق توزیع رایگان کود و تخم بذری معاف و نت بعمل آمد.

مادر آینده نیز به دهقانان زحمتکش در زمینه تهیه تخم بذری، کود، آلات و ابزار زراعتی و ساز ماند می درست خریداری اقدام عمده تولیدی آنان بصورت عادلانه را نه قرضه و غیره کمک های همه جانبه و بیدریخ انجام خواهد داد و به تعمیم و حدت دهقانان در چهارچوب کو پراتیف های زراعتی بمنظور انکشاف نیروی های مؤلده زراعتی و بهبود شرایط زندگی خود را بهبود و پشت کار کمک خواهد نمود.

ما اشتباهات گذشته را که در ساحت اجرای اصلاحات ارضی رو نما شده بود اصلاح می نمایم و می خواهیم که دهقانان از دانه برای خود خانواده خود، نه به سود فئودال ها و اربابان کار نموده و با حاصل کار خود شرایط زندگی خود را بهبود بخشند.

قانون در باره تقسیم آب تحت تدوین بوده و عنقریب به منظور توزیع عادلانه و استفا ده عادلانه از آب نافذ خواهند شد.

ما دهقانان زحمتکش را دعوت می نمایم تا تمام زمین های خویش را زود نموده و زمین را بدون کشت باقی نگذارند.

تولید محصولات زراعتی را به نفع خود، به نفع مردم، به نفع جامعه و دولت خویش افزایش بخشند.

رفیق کارمل در باره اقدامات جدید حزب و دولت انقلابی ما در این زمینه گفت:

« به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت ج.د.ا. به پیشگاه شما هموطنان شرافتمند و زحمتکش اعلام میدارم که سر از فردا معاش کارگران و مستخدمین دولتی

خود را در راه اعمار جا معه خوشبخت، دموکراتیک و رشد پاینده خویش ادا نمایند.

برای ما جای مسرت بی پایان است که عده تئوری از هموطنان ما تاکنون به وطن محبوب خود عودت نموده و سال نورا بعد از تحمل رنج ها، اهانته ها و محنت های فراوان غربت در شرایط تنگنای ضد انسانی، ای که مسئول آن تنها و تنها امپریالیزم و فاشیسم بودند در حلقه مسرت بخش عزیزان و اقارب خویش در فضایی آزادی کامل واخوت استقبال می نمایند ... »

« هم میهنان عزیز، برادران و خواهران !

از رژیم های متغیر گذشته یک اقتصاد عقب مانده و ناتوان برای ما به میراث مانده است. رفع عقب ماندگی اقتصاد افغانستان بدون رشد سریع نیرو های مولده کشور و ارتقاء سطح زندگی مردم، تحقق بخشیدن به دگرگونی های عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ساز ماند می درست بالاخره بدون ایجاد و تحکیم پایه های جامعه نوین فارغ از استثمار انسان از انسان که بر مبنای قانونیت و اصل عدالت اجتماعی متکی باشد، امریست ناممکن.

بعد از پیروزی انقلاب نور و به خصوص در حله نویسن تکاملی آن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت ج.د.ا. تدابیر عاجل و با اهمیتی را جهت تکامل اقتصاد ملی و تسریع رشد اقتصادی کشور روی دست گرفتند.

ما اطمینان کامل داریم که امروز همه امکانات لازم جهت رشد اقتصاد ملی کشور و رفیع شدن و جود دارد. ما تاکنون به پیروزی های معینی در زمینه رشد اقتصادی ناقل آمده ایم. هر گاه فعالیت های خرابکارانه امپریالیزم جهانی و اربابان و اجیران وابسته های خائن ب مردم افغانستان وجود نمی داشت بدون شک این دست آورد ها و پیروزی ها بیشتر می بود. ولی در هر حال دشمنان ما به این آرزوی ناپاک خود که ما نتوانیم تکامل و ترقی کشور شویم، ناقل نگردیدند. مؤید این گفته ما پیشرفت هایی است که در سال ۱۳۵۹ نصیب مردم ما گردیده است ... »

رفیق کارمل بعد از ارائه مختصری ارقام در زمینه سطح رشد محصولات زراعتی و صنعتی چنین اظهار داشت:

درین سالروز یک غنوعی روی سخن ما بخصوص به دهقانان زحمتکش کشور است.

سنت دیر پایهای است که سال نو، نوروز پر سرور،

های مترقی، صلح دوست و دموکراتیک جهان و قبل از همه همسایه بزرگ و دوست دیرینه و صدیق خلق ما اتحاد شوروی ما را درین پیکار مقدس یاری می رساند.

در لحظات حساس و دشوار زندگی مردم ما، آنکا هی که مسئله بود و نبود انقلاب وطن عزیز ما، مسئله دفاع از آزادی و استقلال ملی کشور ما و دفع و طرد تجاوز جنایت کارانه او تاجاع، امپریالیزم و هژمونی نیز مطرح بود، کشور بزرگ شوروا بصورت برادرانه و انترناسیونالیستی ما را یاری نمود. هنگامیکه کمک اتحاد شوروی که بر اساس معاهده دوستی، همکاری و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی و بر طبق تفاهضای حکومت ج.د.ا. جهت دفع و طرد تجاوز خارجی بشکل اعزام قطعات محدود نظامی بکشور ماصورت گرفت، دشمنان انقلاب و مردم ما صدها اتهامات خائنه و دروغین را بر علیه ما براه انداختند. ما یکبار دیگر بصراحت اعلام می داریم که علت وجود قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در کشور ما در امر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و نهایت ارضی کشور ما در برابر تجاوز و تدارک دیده شده امپریالیزم، نهفته می باشد البته و قتی که به توطئه و تجاوز خارجی علیه ج.د.ا. نه دادشود و تقصیر قابل اعتباری مبنی بر عدم تکرار آن ارائه گردد قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به کشور بزرگ صلحد و ست خود عودت خواهند کرد.

بعداً رفیق کارمل، ضمن صحبت در باره اهمیت دوستی افغان - شوروی چنین علاوه نمود:

« کمک های همه جانبه برادرانه و بی غرضانه اتحاد شوروی عامل بسیار مهم در جهت دفاع از دست آورد های انقلاب نور و تامین شرایط لازم جهت رشد مزید بعدی کشور و دگرگونی های انقلابی در کشور می باشد.

پشتیبانی یید ریخ اتحاد شوروی از انقلاب نور از جانب منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدهایت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی و رفیق گرامی لئونید - ایلیچ بریزنف در کنفرانس و ششم حزب ملکور در حوت ۱۳۵۹ یکبار دیگر با صراحت و قاطعیت اعلام گردید.

پشتیبانی یید ریخ اتحاد شوروی از انقلاب نور از جانب منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدهایت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی و رفیق گرامی لئونید - ایلیچ بریزنف در کنفرانس و ششم حزب ملکور در حوت ۱۳۵۹ یکبار دیگر با صراحت و قاطعیت اعلام گردید.

متعهد و دارای عنعنه صلح دوستی می باشد. کشور ما در عرصه جهانی از پروسه تشنج زدانی جدا دفاع میکند و برای جلوگیری از بروز جنگ را دمید.

اما حالا در نقطه یی شکفت عزیمت. در ابتدای دیگری، اولین بار نیز در بهارانی که بازمین زمین تند گام، بر فراز روی کرده می تکانند را می شهر آفتاب میشود و بسوی آینده راه می سپریم. ما به آینده خوش بینیم. آینده تضمین خوشبختی مردم ما ست.

آنچه از دیروز آموختیم ما را برای می دهد تا به فردا - ها ایما ن یاوریم و هجا های رنگین خوشبختی را تکرار نماییم.

سال آینده، انقلاب و پیروزی پیوند نوینی خواهد یافت و مردم در ساختمان تاریخ آینده گامهای نوین برداشت.

اینک در آستانه فصل نوین و بهاری دگر آینده را با همه شیب و عظمت آن گرامی می داریم.

(س)



پیکار و دلیرانه ما برای ایجاد جامعه نوین و اعمار افغانستان شکوفان، نیرومند، مستقل و دموکراتیک از کوچکترین اوضاع بین المللی، تناسب نیرو ها در عرصه جهانی بین نیرو های امپریالیستی، از تجاع سیاه و جنگ طلبان از یکسو و نیرو های دموکراتیک، از ترقی خواه و طرفداران صدیق راه صلح از جانب دیگر جدایی ناپذیر است.

در اولین روز های پس از پیروزی انقلاب نور و بخصوص بعد از پیروزی در حله نوین آن، نیرو های ارجح و امپریالیزم جهانی در راس امپریالیزم امریکا با پشتیبانی فعالانه و هیری هژمونستی چین جنگ اعلام نشده ای را علیه افغانستان بسط و توسعه دادند. آنان از دو گانه های متعددی را ایجاد نموده و از آن طریق باند های ضد انقلابی و متشکل از خائنان را تربیه، تسلیح و تجهیز نموده بمنظور خرابکاری و آدم کشی به خاک مقدس ما می فرستند. دشمنان

را دمید.

اما حالا در نقطه یی شکفت عزیمت. در ابتدای دیگری، اولین بار نیز در بهارانی که بازمین زمین تند گام، بر فراز روی کرده می تکانند را می شهر آفتاب میشود و بسوی آینده راه می سپریم. ما به آینده خوش بینیم. آینده تضمین خوشبختی مردم ما ست.

آنچه از دیروز آموختیم ما را برای می دهد تا به فردا - ها ایما ن یاوریم و هجا های رنگین خوشبختی را تکرار نماییم.

سال آینده، انقلاب و پیروزی پیوند نوینی خواهد یافت و مردم در ساختمان تاریخ آینده گامهای نوین برداشت.

اینک در آستانه فصل نوین و بهاری دگر آینده را با همه شیب و عظمت آن گرامی می داریم.

(س)

# بهار

چشمه از زیر سنگ جوشان شد رود نیلو فری خروشان شد بسکه بشکفته لاله در کسار دامن کوهها چراغان شد

دل ز باد بهار زنده شود وز نوای پرندگان سحر آدیزاده چون پرندۀ شود که کشاید بر آسمانها پس دشت سبز است و سبزه رنگارنگ

باید از خانه سوی صحرا شد یکدم آمده از هزاران درد چشمه شد، رود گشت دریا شد

کاشکی هر چه می کنم، احساس گیرد آهنگ ویر زان آید تا بگویم چگونه فصل بهار یاد یاران مهر بان آید

ژاله ۱۳۵۶

# سروش

مرا به آفتاب بسپار ... به آفتاب

که از زندگی سرشار است و روی بام خانه ما گنجشک های عاشق را رسوا می کند

آه! گنجشک ها و سوسه ام می کند و عطر بهار دور دست

مثل حس پرواز در سینه ام می خزد پو ستم یک کویر خشک است

پو ستم عاشق آفتاب است مادرم می گفت:

« تو طفل نا مشروعی که در یک سپیده از تماس نگاه آفتاب با زمین عاشق بوجود آمدی »

اکنون چشمم به ابرهاست منتظر بارانم

باران که سبزم می کند باران که میوه ام می دهد

باران که کاملم می کند من تکامل را مثل حس تنها یی

دوشنبی طولانی دوست میدارم آه ... این گلها

بوی این گلها مثل بوی جفت مستم می کند

بگذار پنجره باز شد ... من دیگر از تاریکی نمی ترسم

(ک.ج.)

# دو دهه ای مسالای دگر

بر حق به انقلاب پیوستند و دفاع دلیرانه از انقلاب جای یاس و دلبردگی نارضایتی و حتی نفرت را فرا گرفت.

از رویداد های شکر ف می گویم، از بر شکفتن ها و پیوستن ها، از خروش همه گیر انقلابی از گروه های داوطلب مدافع انقلاب، از آموزش جنگی جوانان، و تلاش جانبازان نه آنان، از نبرد های حماسه انگیز ستون بهم پیوسته نیرو های انقلاب، از فریادهای زنده باد انقلاب، از هم آوایی نیرو های گوناگون وطن پرست و مترقی و از مردمیکه گفتند: ما با انقلاب هستیم.

و از پیروزیها حرف میزنیم از کلافه های شکسته ضد انقلاب و نابودی ورد و جادوی عفریته های تاریخ معا صر کشور ما، از پیروزی بر

یکسال دیگر از تاریخ دوران انقلاب بی کشور ما گذشت و ما اینک در نو آغازی بهار را، در ساحت سال دگر با می نیم حافظه سالی که گذشت به عنوان تاریخ شکر ف رویداد های زیاد به هم پیوسته را ثبت کرده است. سالی که گذشت « در سرود، در صنداء مردمی را که به پا خاسته اند (براه مردمی) یا نهاده اند، تکرار میکند.

از رویدادها میگویم، از آنچه که زیر آوار زمان با تمام دشواریها راه انقلاب را، راه مردم را، راه پویشی آینده را هموار کرد. سالی که گذشت، اما نه سالی عادی بسان تکراری پیورده و تپه.

درین سال که ملالست سیمای درد دیده مردم را رها کرده و بهو حشمت و بیداری ها مهر پایان زده شده بود، یکبار دیگر مردم با بسا و

یکسال دیگر از تاریخ دوران انقلاب بی کشور ما گذشت و ما اینک در نو آغازی بهار را، در ساحت سال دگر با می نیم حافظه سالی که گذشت به عنوان تاریخ شکر ف رویداد های زیاد به هم پیوسته را ثبت کرده است. سالی که گذشت « در سرود، در صنداء مردمی را که به پا خاسته اند (براه مردمی) یا نهاده اند، تکرار میکند.

از رویدادها میگویم، از آنچه که زیر آوار زمان با تمام دشواریها راه انقلاب را، راه مردم را، راه پویشی آینده را هموار کرد. سالی که گذشت، اما نه سالی عادی بسان تکراری پیورده و تپه.



# نوروز میلہ دھقانان

«زمین به دهقانان!»



آزار به او نمی رسد »  
« در میان اعیاد آنکه بیشتر  
قیمت است عا مه داشتند تا آنکه

که آن را نوک روز می گفتند ، این جشن در آغاز سال بود ، درین روز کسانی که کار می کرده اند دست از کار کشیده به استراحت و شادمانی می پرداخته اند .

پس این جشن از همان آغاز با شاخص های طبقاتی سر رشته شده و از همان آغاز نورو ز مردم ، بانوروز

آن جدا بود و چه بسا در مقابل در بار قرار میگرفت و حق می طلبید :

«نوروز به معنای روز نو است ، و آن دو باشد : یکی

نوزوز عا مه روز اول  
نروزدين ماه است كه آمدن  
فتتاب به نقطه اول حمل  
باشد و رسيدن او به آن

ولی نو روز خاصه یا نو  
روز بزرگ:

«و ششم فرو ر دین ما  
نوروز بز رگ دارند، زیرا که  
خمسروا ن بدان پنج روز حق  
های ششم و گرو ها ن  
بگزار دند ی و حاجت هازوا  
کردند ی ، انگا م بدیین  
روز ششم خلوت کرد ند ی  
خاصگا ن را ،

در مورد " رسوم در-  
باری، " نوروز آمدن و  
است که :

«نوروز بز رگ، آنچه  
معروف است آن دانند که  
خسروان چون نوروز بودی  
بر تخت نشستند و پنج  
روز رسم بودی که حاجت  
مردم روا کردند و چون  
این پنج روز بگذشتی به  
لبو کردن و با ده خوردن  
مشغول شدندی، پس این  
روز ازین سبب بز رگ  
کردندی»

تکامل رونده تو لید،  
کشاورز را از تحت  
قتل زنجباری نظام بد ر  
سالاری در زیر تسلط  
مستبد، دولت مرکزی می  
آند، اسارت او را در بند  
بردگی همگانی، وابستگی  
و او را به زمین تشدید می کند  
از به آن بار شده است.

مینه های نظام از باب  
عیتی در سر زمین مادر کام  
حشمتیار و خورد کننده  
نیو دالیزم فرو می برد  
کشاورزان و دهقانان

مصرفیت به فتوحات  
اسلامی " به نوز اعتنائی  
نداشتند "

دو لی آذر و قرا ئنی که  
دیر دست است ممر سیا ندکه

پس از اسلام هموار جشن  
نوروز بر پا می شده است و  
مراسم آن با تصرفات و  
تضییقاتی از عهدی به عهد  
دیگر منتقل می گردیده  
است

در آمد خود هدایای نوروز  
را از نو معمول داشتند و آن  
را بر مردم تحمیل  
کردند.

در دوران عباسیان و ازبانی  
آن در عهد طاهریان و  
صفاریان و بخصوص در  
عهد سامانیان نوروز با  
شکوه خاص بر گزار می-  
شده است.

در عهد غزنویان جشن  
نوروز در معنای وسیع و  
کامل آن احیا گردید.

چنانچه منو چهری آنرا  
جشن شایسته و بایسته  
خواند . است .

گویند بابر شاه نو روز  
داد کابل بر گزارد و احمد -

گندم بر سر نهاده و تیمورشاه  
 ابدالی این روز را بر کوه  
 تخت شاه کابل بز رگب  
 داشت و از آن به بعد نوروز  
 را در زیر بالا حصار ، زیر  
 کوه شیر درواز ، باغ باب  
 شاه ، دارالامان ، دامنه  
 خواجه صفا ، سخی ، سیاه  
 سنگ و کو تل خیر خانه بر

نو روز به منزل روزی  
مرد می برنقش و سبب  
بزرگ کشاورزان  
دزدان کی اجتماعی کشور  
ما استاد می باید  
کشاورزان از میان آزار  
با وجود نقش عمده ای که در  
تأمین نیازمند ی های جامعه  
داشته اند مورد ستم محافل  
و طبقات محاکمه قرار می  
گرفته اند  
«دفعات و پیشه واران  
کار میگردانند و مورد آزار  
قرار میگردانند»

در اوستا آمده است :  
... آن بد کنش که جزاز  
آزور به ستوران ودهقانان  
کار دیگری از او ساخته  
نیست ، هر چند که ازدهقان

۴. با مدنیت آریاییان  
حدود ۳۰۰۰ ق.م. توا فوق  
مینما ید و در حاکمیت یس  
(جم یا جمشید) تبلور می  
یابد.

«جمشید همه مردان را بر  
چهار گرو کرد : گرو

کشته و زنان و گروهی پیشه  
وران و هر گروه را بگفت  
هیچ کسی مبادا که به جز  
کار خود کند

«پیشرفت تو لیدلار عرصه  
زراعت و فلاحت به ترکیز  
و تجمع بیشتر گروه های  
انسانی و در نتیجه به کثرت  
نفوس انجامید و افزایش  
نفوس ز حتمش خود بر  
رشد تو لید تاثیر گزارد و  
چنانچه در او ستا آمده است،  
جمشید ناگزیر چند بار به  
«سوی روشنایی پیشی  
رفت» و سرزمین خود  
را توسعه بخشید.

این ها همه باعث می شده  
که زمین را گرا می بدارند  
آغاز فصل چرا و کشت و کار  
زابه شا دمانی بر گرا رند  
آنها نو روز نام نهند .

«جشنی که به هنگام آغاز فصل گرما یعنی وقتی که کله ها را از آغل ها به چمن های سبز و خرم می کشانیدند و از دین چهره دلارای خور شید شد و خرم میشدند»

اعتقاد «اندر نوروز نخستین آنست که اول روز یست از زمانه و بد و فلك آغازید گشتن»

و همچنان «نخستین روز است از فرو ر دین ماه و زین جهت روز نو نام کرده زیرا که بیشانی سال نو است»

باستانى ترین ايسر  
برگزارى ها بنام جشن نو  
روز يانيروز در عهد  
جمشيد و بعد ادر عهد  
گشتا سب در بخدي يا بلخ  
بر پا مى شده است .

«گر چه در اوستا از نوروز  
نامی نیست ولی در دیگر  
کتاب ها از نوروز و مراسم  
آریا ییان باستان یاد  
شده ... و نوروز در عهد  
ساسانیان نیز بر گزار می  
شده است .

بدنیال ظهور و نفوذ  
اسلام " نخستین خلف  
اسلامی " شاید به علت

نوروز، خاطره ایستاده  
پیوسته سبز از روزی سال  
دار که دور ترین تلاش هست  
متمرکز انسان جا معه  
را برای کا شستن تخم ز ندگس  
در دل تاریخ، زنده میسازد

از نوزاد باید به منزل  
نوزادی تاریخی، مرد می و ملی  
یاد کرد.

نوروز به منزله روز  
تاریخی تا دو ران باستان  
میرسد و با آغاز تاریخ  
مکتوب سر زمین ما میو  
ماند.

نخستین سکو نت انبار  
در سر زمین ما به گذشت  
های خیلی دوز میرسد و  
حدود ۹ تانچه از سبزی  
قبل از بارش زمین

زندگی تصادفی و غار نشین  
را به طرف نظم و تمرکز  
ترك ميگويد تقسيم ناپيد  
كار مي شكند . نقش شكند  
به حيث منيع عمده زندگي

و پادشاه می آید و زمیندار را  
 و مالدار را شناخته میشود و  
 بر چنین زمینها ای نظام  
 بدوی و محدود داری  
 فرو می ریزد و از پی  
 احمیت زمین در امر تولید  
 تسلط انسان بر محیط  
 پیرامون گسترش می یابد  
 در او ستا آمده است .  
 «ای زمین عزیز لطف کردی  
 دراز شو ، پهن شو ، و مالدار  
 مواشی و ستور و مرد  
 باش»

ودرین مسیر بر پا یسا  
تقسیم اجتماعی کار زراعت  
و هلداری بحیث دوشا خا

مستقل تولید از هم مجز  
میشوند و بدینگونه (کشک  
و کشا و رز و زارع در مقای  
یک گروه مشخص اجتماع

این دو را ن بایست  
«مدنیت بسیط زراعتی»  
مشخص می‌کرد که در آن  
«زمینداری» باغدار، آبپز  
«مالداری» و جو  
دارد.

رشد بعدی کشاورزی و  
مالداری با دو مین تقسیم  
بزرگ اجتماعی کار در وجود  
جدا شدن پیشه وری از  
کشاورزی به تقویت هر چه  
بیشتر گروهبندی های  
اجتماعی و مشخص شدن

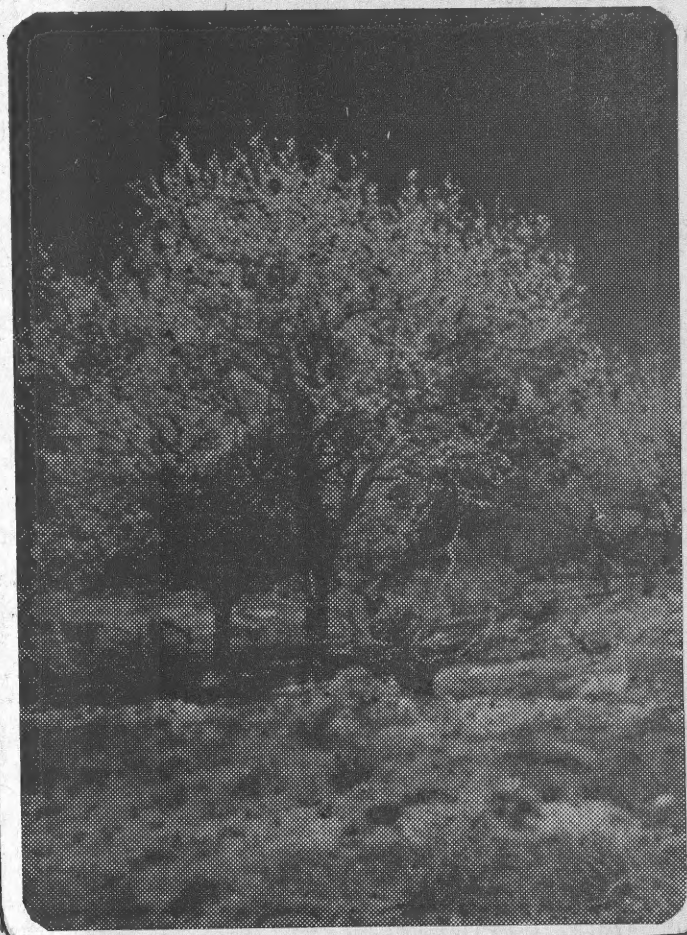
بنیاد های روابط طبقه ای درین  
جامعه می انجامد .  
این امر در تاریخ باستان





## برای درخت

تو قامت بلند تمنائی ای درخت  
همواره خفته است در آغوشت آسمان  
بالائی ای درخت  
دستت پر از ستاره و جانت پراز بهار  
زیبائی ای درخت  
وقتی که بادها  
دو بر گهای دو هم تولانه می کنند  
وقتی که بادها  
گیسوی سبز قام تراشانه می کنند  
غوغایی ای درخت



## نهال هار افراموش نکنیم

طبیعت چقدر زیباست، گل و سبزه، مستی دریا، نوای پرندگان، هوای خوش همه و همه را در چهره تابناک بهار پر برکت میتوان دید. بهاری که با خوبی هایش نگو تر از هر بهار دیگر است، بر فهای پی در پی زمستان که فال نیك از سال پرفیض است در دل کوه ها جا گرفته است (سالی که نكوست از بهار شس پیداست). دهقانان، باغبانان و همه زحمتکشان و مردم وطن عزیز ما به رسم باستان به پیشواز بهار، امروز رادر هر شهر و ده، هر قریه و منزل جشن میگیرند و نهال های نشانند.

شاد و خندان باد دایم میله نوروزتان روزتان بهتر از شنبه های تان از روزتان میله نهالستانی که از سال های خیلی قدیم در ملک ما رواج دارد با شور و شغف

زیاد طی مراسم غنچه نوی نخستین روز بهار بر گزار میگردد. مردم با شهادت وطن پرست ما حلول سال نورا همراه با اولین قسم بهار با دهن پر تبسم و قلب های پر از امید خوش آمدید گفته خوشبختی و آقی خوشی را بیشتر از هر سال دیگر در آن مشاهده میکنند.

امسال مراسم نهال شانی در کابل، در ششده یوم ورزشی منطقه جشن، بنابر مرکزیت آن، بر گزار می گردد، دولت انقلابی ما که از اهداف عمده آن یکی هم سر سبزی کشور عزیز ما است نهال شانی را در فارمهای متعدد جهت تولید چوب صنعتی مورد ضرورت و نهال های مثمر و غیر مثمر روی دست گرفته، چنانکه وزارت

زراعت و اصلاحات در روشنی همین هدف سعی می ورزد تا هر گونه نهال های ثمر دار و تزئینی را به منظور تشویق و رفع نیازمندی های باغداران و علاقه مندان عرضه نماید، چنانچه علاوه بر قوری های دولتی سه محل دیگر را نیز (باغ بالا، خیر خانه و منطقه چمن) در شهر کابل تعیین کرده تا نهال هایی مورد احتیاج و قابل فروش را به صورت آزاد به ضرورت مندان در برابر قیمت نازل و معین عرضه بدارد.

انواع نهال هایی که در غرفه های فروش عرضه میگردد از نوع مثمر آن چارمغز، گیلاس، سیب، نال، شفتالو، زردآلو و غیره و از قسم غیر مثمر آن صنوبر، نرگس، پاندروسا، موربان، سرو، بیدروسی و انواع اکاسی و غیره می باشد.

باید یاد آور شد که اکمال نیازمندی های وزارتخانه ها و موسسات دولتی و قطعات عسکری و قسماً بنا روالی

هائین از نگاه تهیه نهال از قوری های ریاست جنگلات و علفچر ها تا مین میگردد. قوریه پیمان از جمله قوریه های مرگزی این ریاست به شمار می آید که در تهیه و عرضه نهال بزرگترین خدمت را به باغداران و علاقه مندان انجام میدهد.

ولی آنچه درین میان در خور دقت و توجه است، سر نوشت و آینده نهال ها است نهال هایی که باید بزرتک شوند و به ثمر برسند. در سال های گذشته نیز نهال توزیع میشد و شاید هم سرو صدای بیشتری بپرا - مون غواید این امر به راه می افتاد، اما با تاسف کلیه اقدامات در محله د غرس نهال باقی می ماند و چند روزی بیش نمی گذشت که همه سخنان بر طمطراق در باره سرسبزی شهر و ده به طاق نسیم سپرده می شد، نهال های بیچاره یا

از تشنگی میمردند و یا نارسید، به بهار دیگر می شکستند و شاهد مدعی ما نقش پا و اجساد خشکیده نهال هایی است که در سال گذشته کنار همه جا ده های شهر غرس شده بودند. آری! اگر امسال نیز نهال ها را سرنوشت سال پاز در انتظار است اقدامات مفیدی که در فوق بر شمریدیم بیهوده و آن هدف عالی بر آورده ناشده خواهد ماند.

پس زحمتکشان و هم میهنان با درد! بیایید با صفای قلب در راه سرسبزی وطن دوست داشتنی ما، وطنیکه آرزوی حفاظت و سر فرازی و آبادی را از ما دارد، دست به دست هم داده برای شکوفائی آن از دل وجان بکوشیم، نهال غرس کنیم و نهال های غرس شده را هرگز فراموش نماییم.

(فرید)



## گل حماسه ها

نخستین روز فروردین، سحرگاه به گرمی نخستین نور خورشید فراز تربت پاک شهیدان

ابر مردان جاوید گل حماسه های سرخ روئید سحرگاه دگر، زان پیش کورا: به نورش گرم سازد مهر خاور ویا در گوش او خواند نسیمی پیام فتح دیگر.

ز رستا خیز هر زمان سنگر دو دست نازنین خم شده به سویش دو شاخ نسترن هنگامه انگیخت گرفت و بر پرش کرد و بوسید

به اشک خویش آمیخت به تابوت شهید قهرمان ریخت. گل حماسه ها که قهرمان زاد چه خوش سر را به پای قهرمان داد بارق شفیمی

میهن مالوف دیرین سال در دوران نوبتی سیاره زمین بر محور خورشید، باز فصل رستخیز و شکفتن ها، فصل زیبایی و پاکیزگی های بهاری رابه آغاز گرفت. صاحبان میلیونی این باغستان سرشار از استعداد سبزه و گل و شگوفه و میوه ... هرورند باشکوه به گل نشسته تناور درخت انقلاب ملی و دموکراتیک خویش، دور خورشیدی دیگر از زندگانی ملی خود را پیشواز گرفتند مایمان راسخ داریم که این رستا خیز و شکوفانی بسر شاخ و برگ امید ها و اراده های هماهنگ هموطنان عاشق به زندگی و فردا های پر طراوت و نعمت میهن ما، پیش از پیش گسترش می یابد و «کار» زشتی براندازو هستی آفرین ملت پر توان ما را در بزرگراه انقلاب نجات بخش ما در ایجاد وطن نوین و زیبا نیروی تمرکز متکاملتری می بخشد.

## بازتابهایی از نوروز در ادبیات کهن دری

بدین سبب، اورا (شید) لقب کردند و شید بیا رسی روشنایی بود و آفتاب را بدین سبب خورشید گویند که قرص آفتاب باشد و شید روشن و اندرین روز جای هارا آب زنند، که این روز، نام فرشته یی است که بر آب موکل است.

(عبدالحی گردیزی)

به جمشید بر گوهر افشا نندند مرا آنروز را روز نو خواندند سر سال نوهر مز فرو دین برآسوده از رنج تن، دل زکین بزگان بشادی بسیار استند می جام ورا مشگران خواستند چنین روز فرخ از آنروز گار بماند از آن خسروان یاد گار

(فردوسی)

هر چه زیور بود گل های بهاری آن همه بر دیر گل های باغ و راغ نوروزی به کار بر خور از نو روز خرم بر خور از بخت جوان بر خور از عمر گر امی بر خور از روی نگار (فرخی)

برزن غزل نغز و دل انگیز و دل افروز واینست ترا بشنو از مرغ نوآموز

(منوچهری)

جشن فرخنده فرور دیمن است روز باز گل و نسرین است آب چون آتش عود امروز است باد چون خاک عبیر اگین است

(ابوالفرح رونی)

کمتر سخنور زبان دری را میتوان سراغ کرده که بهار را نستوده باشند نو روز را، گشایش بهار را و فصل رستن را و آغاز تولد دوباره طبیعت را نستوده باشد.

نو روز فقط يك روز نیست رستا خیز روز هاست و روز همایون و فرخنده ست. روز خوشبختی است و سخنو رما وقتی که از نوروز سخن میزند گویی از خود خوشبختی سخن میزند:

همه ساله بخت تو بیروز باد

همه روز گارتونو روز باد

نوروز، فریادیک گشایش است در مقطعی که زایش بر بنا گوش فر شایش سیلی محکمی می کوبد و فصل های بهار میشوند و روز هاو شب های برابر و بارور میروند تا زمین و گیاه رابیا ری زمان برای آرمش و برای چار پایا ق بهره و رسا زند (این روز را نو روز گویند. زیرا که سر سال باشد و شب با روز برابر شود و سایه ها از دیوار ها بگذرد و آفتاب از روزنها افتد).

ولی نوروز قصه های دیگری هم دارد. و لسی نوروز سالمنند در کشور سالمنند ما، در انبوه افسانه ها و اسطوره ها چنان لمیده است، که با این مختصر حش ادا نمیشود.

چرا که نوروز بدانگونه آوازه داشته است که پایش را از گلیم تاریخ بیرون کشیده و هاله یی از افسانه ها آنرا در خو یشتن پیچا نهاده است:

«و چنین گویند: جمشید (یما) از حرب سیاهان و دیوان - اندر این روز باز آمد.

باظفر و بیروزی و غنیمت فراوان آورد، پس آنروز که جواهر غنیمت آورده بود بر تخت خویش انبار کرد تا هر کس ببیند و آفتاب از روزن اندر افتاد و بران جوهر و زرافتادو همه خانه از عکس آن روشن گشت.

روزنامه بیات تحریر  
میرزا سید محمد حسینی  
تلفن: ۲۲۷۴۸  
سکرت: ۳۴۷۱۵

آدرس: دو بروی وزارت امور خارجه  
صندوق پستی: ۷۸۰  
حساب بانکی: ۱۰۱۸ بر ۹  
تلفونها:  
معاون: ۲۴۳۵۰  
سکرت مسئول: ۲۰۷۷۴  
خبر نگاران: ۲۲۶۵۹  
اداری: ۲۴۵۷۰  
شکایات: توزیع ۲۶۸۵۹  
صبح روزهای یکشنبه سه شنبه و پنجشنبه نشر می شود.

ثبت و افغانی  
چاپ و پب آفست مطبعه دولتی